

ماهنامه داخلی هیات محبان اهل بیت (ع)

چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۸

۱۸ محرم الحرام ۱۴۴۱ • ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۹

شماره دوم • دوره جدید

۸ صفحه • رایگان

پنجاه سال پیش، هیات‌ها به هم سنگ می‌زدند!

علی اکبر فتحی رئیس شورای هیئات مذهبی گراش، در گفت‌وگو با فانوس از بیم و امیدهای گذشته و آینده‌ی عزاداری در گراش گفته است.

دوره جدید	چهارشنبه
شماره ۲	۲۷ شهریور ۱۳۹۸
۸ صفحه	۱۸ سپتامبر ۲۰۱۹
رایگان	۱۸ محرم الحرام ۱۴۴۱

چرا زنجیرزنی، عظمت قدیم را ندارد؟



مجتبی بنی اسدی
سر دبیر

«هفت یا هشت شب را فقط در حسینیه می‌زدند. در حیاط.»
«دوسه شب آخر دهه از حسینیه می‌زدند بیرون. غوغایی بود.» «جای سوزن انداختن نبود. مردم تشنه بودند.»
«وقتی نوحه‌خوان زنجیرزنی می‌خواند دیگر زن و مرد اشک می‌ریختند.» «آخه نوحه‌های آن زمان هم محزون بود واقعا. دل را می‌سوزاند.» «وایل دهه‌ی هفتاد بود.» «یک گراش بود و یک زنجیرزنی.» «دسته‌ای شکل می‌گرفت که آن سرش ناپیدا.» «یادش بخیر...» «دسته که به خیابان می‌آمد دیگر گاو و گوسفند بود که جلوی دسته زمین می‌زدند.» «گذشت... دلم تنگ شده.» «کلی آدم می‌آمدند زنجیرزنی. هیأت زنجیرزنی حسینیه حضرت ابوالفضل (ع)»

چون ترها در آستانه‌ی محرم، اگر پای صحبت‌های بزرگ‌ترها بنشینند، این صحبت‌ها را به وفور می‌شنوند. ولی چه شد که این شد؟ چرا دیگر مثل آن روزها کسی با نوحه‌های زنجیرزنی اشک نمی‌ریزد؟ چرا سال به سال، طبل‌ها بزرگ‌تر می‌شوند ولی دسته‌ی عزاداران آب می‌روند؟

دلیل اول اینکه شعر و آهنگ‌ها تغییر کرده‌اند. شعر و آهنگ در عزاداری - خصوصا زنجیرزنی - دارای اصول و قواعد خاص خود است. هر کس از راه رسید نمی‌تواند آهنگ و سبکش را در عزاداری اجرا کند. آهنگ‌های کم‌بینه دوره‌اش که بگذرد باید انداخت دور. آهنگ هم باید حرفه‌ای باشد هم دلی، همین است که «با نوای کاروان» صادق آهنگران هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود. آهنگ‌ها باید با معرفت تغییر پیدا کنند نه با ضربه‌ی محکم‌تر به طبل‌ها!

دلیل بعداقت دید کوتاه و نوک بینی خود را دیدن در دسته‌هاست. که به طبل و سیستم صوتی هیأت «ها» از فلان هیأت بهتر یا بدتر است یا علمی که آن هیأت بلند کرده بالاتر است. همین‌ها عزاداران را به تماشاگران عزاداری تبدیل کرده است.

پسندیده است که هر محله و مسجد دغدغه‌ی عزای ابا عبدالله را دارد، ولی پسندیده‌تر است اگر همه هر ده شب، یک‌جا، زیر یک پرچم و نه پرچم هیأت محله‌ی خودمان، جمع شویم. آن وقت چشم و هم‌چشمی خود به خود محو می‌شود. اما این راه مرزی ست. اطمینانی نیست اگر یک روز هیأت دیگری تشکیل شود، ما به راه قبل برنگردیم.

اما راه سخت‌تر ولی پایدارتر، این است که افکار پوسیده، خام و دم‌دستی را با کمی افزایش معرفت از خود دور کنیم. معرفت یعنی شناخت اینکه چرا امام حسین (ع)، شش ماهه را در راه خدا داد. با کمی اندیشه، افکار ما تصفیه می‌شوند.

دوستی می‌گفت: «انگار هر چیزی قدیمی‌اش بیشتر به دل می‌نشیند.» حتی نوحه‌های زنجیرزنی.



قال رسول الله

بِأَنَّ لِقَاتِ الْحَسَنِ (ع)
حَرَاتٌ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ
کتابت ابدا

پرونده در صفحه‌ی ۴، ۵ و ۶ بخوانید

گفت‌وگو با ۲+۱ نفری که حال خوش هیات را می‌سازند

پشت پرده‌ی نوحه‌هایی
که در هیات خوانده می‌شود

۷

محرم پای درس بهجت

محمد دانشور در این شماره کتابی معرفی کرده تا محرم را پای سخنان حضرت آیت‌... بهجت بگذرانیم؛ کتاب رحمت و اسعه.

با آثاری از:

محمد برزگران، محمد بنی‌اسدی، علیرضا جعفرزاده، محمد کاظم جعفرزاده، محمد دانشور، رضا زنجیر، ابوطالب سپهر، محمدجواد سیاح، محمد شیروان، سجاد فیروزی، امیرحسین محسن‌زاده، مصطفی محسن‌زاده، مهدی نظری و محمدامین نورانی؛ و با تشکر از علی رایگان و محمد نجاتی.

فضای مجازی؛ سرزمین تهدیدها و فرصت‌ها



محمدامین نورانی
دانشجو

باید این واقعیت را پذیرفت که در عصر کنونی به دلیل درهم‌تنیدگی «تکنولوژی» و «زندگی» انسان، جدا کردن این دو از هم کار بسیار دشوار و شاید بتوان گفت غیرممکن است. بدیهی است که حضور این عضو جدید تمام خانواده‌ها، تهدیدها و فرصت‌هایی را نیز به دنبال خود آورده است. فضای مجازی نیز از این قائده مستثنی نیست.

فضای مجازی در کنار تهدیدهایی که برای جامعه دارد فرصت‌هایی را نیز به وجود آورده که اغلب نادیده گرفته شده است. از این رو بسیاری برای کاهش آسیب‌های فضای مجازی، راهکارهایی را برای کاهش استفاده از آن ارائه کردند. اما واقعیت این است که با گسترش و پیشرفت تکنولوژی، فضای مجازی هر روز بیشتر با زندگی انسان گره می‌خورد تا جایی که برای بسیاری از افراد کنار گذاشتن آن مشکل و حتی غیرممکن است. به همین خاطر شاید تنها راهی که بتوان آسیب‌های آن را کاهش داد، تبدیل این تهدیدها به فرصت است.

یکی از کاربردهای فضای مجازی، استفاده از آن به عنوان رسانه برای جریان‌سازی در جامعه و اثر گذاشتن روی افکار عمومی است. در دنیای کنونی به خصوص پس از تضعیف دولت‌های خودکامه و ظهور دولت‌های دموکرات، قدرت رسانه به علت تأثیر در افکار عمومی مورد توجه دولت‌ها قرار گرفت. دولت‌های مستکبر نیز با تکیه بر نفوذ رسانه در جامعه، سعی در پیشبرد اهداف خود دارند و در این راه از ابزارهای گوناگونی همچون شایعه‌سازی، بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی، ایجاد رعب و وحشت و مظلوم‌نمایی استفاده می‌کنند.

اما اگر ما فضای مجازی را به بهانه آسیب‌هایش رها کنیم نه تنها آسیب‌های آن را کاهش نداده‌ایم، بلکه راه را برای نفوذ بیشتر دولت‌های مستکبر در جامعه هموار کرده‌ایم. در این راه وظیفه ما مقابله با نقشه‌های دشمن و آگاه‌سازی جامعه است.

در واقع فضای مجازی جبهه‌ی جنگ نرمی است که دشمن به خوبی از آن برای سیاه‌نمایی و شایعه‌سازی علیه ایران استفاده می‌کند. ما نیز می‌توانیم با تبدیل این تهدید به فرصت از این فضای آماده شده، قدرتمند و پرنفوذ استفاده کرده و نقشه‌هایی که دولت‌های مستکبر برای آینده جهان کشیده‌اند را خنثی و جامعه را از خطر وجود چنین دشمنانی آگاه سازیم. اما قدم نهادن در این میدان پر خطر نیازمند آمادگی و شناخت دشمن است. باید دانست که ورود به این جبهه بدون داشتن آمادگی نه تنها کمکی نمی‌کند بلکه باعث نابودی خود در این فضای آلوده می‌شود.

رودررو

پذیرایی در وسط مراسم حواس‌ها را پرت می‌کند



مصطفی محسن‌زاده
دانشجو

برایم پیش آمد و خدمت آقای سیدحسین هاشمی‌نژاد مطرح کردم. پاسخ را گرفتم ولی باز به دنبال منبع آن بودم و در کتابخانه الزهرا(س) یافتم.

روضه‌های شما چقدر به واقعیت نزدیک است؟ آیا اغراقی هم دارد؟

در گزارش روضه‌ها عین واقعیت است. ولی متأسفانه در جاهایی از اغراق استفاده می‌شود.

معضل گراشی‌ها در مراسمات روضه چیست؟
حقیقتاً بحث پذیرایی در وسط مجالس (زنانه) هم حواس مداح را پرت می‌کند و هم حواس مستمع.

چه توقعی از مستمعین هنگام روضه خواندن دارید؟

حداقل انتظاری که دارم این است که با

پای ثابت هر مجلسی در ایام عزای حسینی، مداح و روضه‌خوان است. به همین منظور به سراغ حسینعلی غیائی، از مداحان مطرح شهر رفتیم و چندکلمه‌ای را پیرامون روضه گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

تفاوت روضه‌خوان با مداح چیست؟

در هر دو، اصل و فرع ذکر مصیبت امام حسین(ع) و خاندانش است. ولی مداح هم نوحه‌خوان است و هم روضه‌خوانی می‌کند، اما روضه‌خوان فقط روضه می‌خواند.

منبع روضه‌های شما چیست؟ مطالعه می‌کنید یا صرفاً از شنیده‌هاست؟

بیشتر سعی می‌کنم مطالعه کنم آن هم از کتب معتبر مقاتل مثل «سوگ‌نامه آل محمد(ص)» یا «لُهوفا». ولی یک‌بار سوآلی

قطب‌نمای انقلاب

از پروژه نفوذ چه می‌دانید؟



ابوطالب سپهر
فعال فرهنگی

شاید تا چند مدت پیش اطلاعات چندانی نسبت به پروژه نفوذ از طرف مردم وجود نداشت و ذهنیت بعضی از افراد به زمان دفاع مقدس و ستون پنجم دشمن محدود می‌شد. اما: نفوذ چیست؟ نفوذی کیست؟ و راه‌های تشخیص چگونه است؟

اهمیت این واژه به گونه‌ای است که رهبر معظم انقلاب در یک بازه‌ی زمانی شش‌ماهه ۴۳ نوبت از این کلمه در محافل و مجالس استفاده می‌کنند که ۳۲ مرتبه آن پیرامون برجام بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد گرچه خطر نفوذ همیشه وجود داشته، اما احتمالاً بعد از توافق هسته‌ای این ماجرا ابعاد جدیدی به خود گرفته است.

معنای حقیقی نفوذ اصابت تیر به هدف است، ولی به اثرگذاری در طرف مقابل معنا می‌شود. اگر از بیان حاشیه‌ها و تذکرات رهبری خطاب به مسئولان نسبت به پروژه نفوذ در جلسات و موضوعات مختلف صرف نظر کنیم (!) برداشت کلی از صحبت‌های معظم له را می‌توان اینچنین یادداشت‌برداری کرد: تقسیم‌بندی کلی پروژه نفوذ می‌تواند موردی و فردی باشد یا جریانی و شبکه‌ای.

نفوذ موردی این است که فردی را برای جاسوسی یا تأثیرگذاری بر تصمیم یک مدیر یا مسئول پرورش دهند و به کارگیری کنند. و نفوذ جریانی که از نفوذ موردی خطرناک‌تر است، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت به وسیله پول و جاذبه‌های جنسی با هدف تغییر باورها و آرمان‌ها، که اهداف آن معمولاً نخبگان، افراد موثر، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران هستند.

از موارد دیگر نفوذ - که خود می‌تواند زیرمجموعه‌ای از تقسیم‌بندی کلی باشند - می‌توان نفوذ امنیتی، نفوذ اقتصادی، نفوذ فکری، نفوذ فرهنگی، نفوذ سیاسی و نفوذ منطقه‌ای نام برد که هر کدام‌شان اهمیت خاصی دارند و یک هدف خاص را دنبال می‌کنند. طبق بیانات مقام معظم رهبری نفوذ فرهنگی و سیاسی از اهمیت بیشتری نسبت به سایر موارد برخوردار است. به گفته ایشان اقتدار و جهاد کبیر تنها راه پیشرفت و مقابله با نفوذ است که بررسی ابعاد مختلف جهاد کبیر در شماره‌های بعد انجام می‌گیرد. به راستی چه کسانی در کشورمان می‌توانند نفوذی باشند یا روحیه نفوذپذیری داشته باشند؟



امیر حسین محسن زاده
دانشجوی پزشکی

طیب

طب اسلامی، از ادعا تا واقعیت!

بخش دوم

توضیح فانوس: همان‌طور که در شماره‌ی قبل هم گفتیم، این مطالب الزاماً نظر مدیران نشریه و هیات نیست. اما از آن‌جا که معتقدیم در هر زمینه‌ای باید باب گفت‌وگو باز شود، آمادگی داریم نظر موافقان طب اسلامی را نیز در نشریه منتشر کنیم.

در ادامه مطالب و نکات گذشته، حال به دنبال اثبات وجود علمی به نام طب اسلامی، رابطه آن با طب سنتی ایرانی و نحوه ساماندهی این مسئله هستیم. در واقع سوال اصلی این است که: طب اسلامی معنادار است یا نیست و اگر هست به چه معنایی است؟

در پاسخ به این سوال باید اول نظریات مختلف در مورد علم دینی را بررسی نماییم تا ببینیم بر اساس هر کدام واژه طب اسلامی معنادار هست یا خیر؟

نظریه‌های مختلف درباره علم دینی

یکی از شخصیت‌هایی که علم دینی را تعریف کرده شهید مطهری است. او می‌گوید: «هر علمی که برای جامعه اسلامی مفید باشد علم دینی است.» این برگرفته از روایاتی است که درباره علم نافع آمده است و همچنین در نهج‌البلاغه هم در اوصاف اهل تقوا هست که می‌فرماید علمی که نافع باشد علم دینی است. بنابراین طبق نظر شهید مطهری، همین طب رایج اگر برای جامعه نافع باشد یعنی بیماران را درمان کند و آسیب‌ها را از بین ببرد، این علم دینی است، ولو این علم از آیه و روایتی هم استفاده نکرده باشد. این تلقی اول.

تلقی دوم از علم دینی، تلقی آقای دکتر سیدحسین نصر (مؤسس موسسه حکمت و فلسفه ایران) است. نظر ایشان این است که «هر علمی که در فرهنگ و جامعه دینی توسط متدین‌ها نضج بگیرد و رشد کند علم دینی است.» مثلاً فرض کنید کتاب الهیات شفای بوعلی سینا که از متافیزیک ارسطو تاثیر پذیرفته، ولی در یک فرهنگ اسلامی توسط یک عالم مسلمان مثل بوعلی نوشته شده است، بر اساس این نظر می‌شود گفت این علم دینی است.

یا مثلاً کتاب الحاوی زکریای رازی، یا کتاب قانون بوعلی، اینها منبع اصلی‌شان «دیسقوریوس» است که یک منبع یونانی است و مسلمانان آنرا شناختند و از زبان یونانی به عربی ترجمه و استفاده کردند. کتاب الحاوی زکریای کاملاً کار آزمایشگاهی و بالینی مرتبط با گیاهان است. مطابق نظر دکتر نصر این را میتوان علم دینی یا طب اسلامی نامید. پس طبق این دیدگاه طب اسلامی، طبی است که در فرهنگ اسلامی نسج گرفته باشد. همین الان پزشکی مدرن از غرب آمده است، اما یک عده از پزشکان و متخصصان ما می‌نشینند در همین بافت فرهنگی و جامعه اسلامی تحقیق می‌کنند و به دستاوردهای جدیدی هم می‌رسند. بر اساس این تلقی دوم، این یک طب اسلامی است. ولو از هیچ آیه و روایتی هم استفاده نکرده باشد. (ادامه دارد...)

- ادامه از صفحه قبل -

خلوص نیت و باوضو وارد مجلس شوند؛ امام حسین(ع) حرمت دارد.

آیا رفتار مستمع بر خواندن شما تاثیر دارد؟

یک جمله می‌گویم: مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد.

آیا رفتار روزانه شما بر مستمع تاثیر دارد؟

بله، بعضی مواقع خستگی من، حس و حال مستمع را هم عوض می‌کند. و برعکس شاید با حسن نیت و با نشاط آمده باشم، و مستمع هم ذوق می‌کند.

از خواندن روضه‌های تکراری در مورد کربلا، بعد این همه سال خسته نیستید؟

به قول امام صادق(ع) هر سال مصیبت جدم تازگی دارد. خستگی معنایی ندارد.

روضه باز خواندن را می‌پسندید؟

بله، اما چون روضه باز خواندن خیلی کار سخت و دشواری است سعی می‌کنم در شب و یا روز شهادت بخوانم تا حق آن ادا شود.

بهترین روضه‌ای که می‌خوانید چیست که اصلاً از یادتان نمی‌رود؟

همیشه روضه حضرت زینب(س) بعد از ظهر عاشورا بهترین بوده است. هم برای من هم مستمع.

حرف آخر؟

حرف اول و آخر ما هر چه با شکوه‌تر برگزار شدن مراسمات ابعبداللله است. و یک نکته‌ی جزئی هم مراعات کردن پذیرایی‌ها در مجالس خانگی (زنانه) است.

شعر

عارف بابا احمدی

جنب و جوشت بهر چیست؟ ای دل بیا آرام بمان
در کنار تربت پاک، در جوار خاکیان

باید که بینی در دل شب لحظه‌ی برخواستن
هم‌نشینی با ملائک پا به پای عابدان

چفیه‌شان سجاده و تربت کنار دستشان
در دل قبر، آن مناجات، اشک‌های خائفان

در زیر بستر گسترند بالهایشان جمع ملک
و اندر آن خواب و خوراک باشند مُردِ سالکان

سرزمین، خاک است و توپ و تانک‌های فرسوده
آید از حنجر صدای تازه‌ی رزمندگان

ای شلمچه! چه خوش است احوال تو
سر به سجده تا برند، هم رنگ شوند با قدسیان

گفت‌وگو با ۱+۲ نفری که حال

پشت پرده‌ی نوحه‌هایی که در

رونده | حال خوب هیات



محمد شیروان
 دانشجو

بچه‌هایتای زمین گیر شور حسینی نشود

نام حاج‌آقا عالی‌پور با نام هیات هفتگی محبان اهل بیت (ع) عجین شده است. حجت‌الاسلام محمد عالی‌پور که یکی از پایه‌گذاران این هیات است و تا امروز لحظه‌ای از آن جدا نشده است.

او هم سخنران است و هم سینه‌زن، هم مدیر است و هم مستمع. برای همین به سراغش می‌رویم تا یک سوال تکراری از او بپرسیم و جواب را از زاویه‌ی نگاه او بشنویم: «شور حسینی یا شعور حسینی؟»

او این‌گونه شروع می‌کند: «شور و شعور دو کلمه هستند که نمی‌شود از یکدیگر جدا کرد؛ شور بدون شعور فایده‌ای ندارد و شعور بدون شور امکان‌پذیر نیست.»

شیخ محمد درباره‌ی اولویت‌بندی این دو واژه می‌گوید: «شروع هر کاری باید با یک شور همراه باشد، ولی باید توجه داشت که در این مرحله نباید توقف کرد. شور یک وسیله است که نمی‌شود بدون آن کار را ادامه داد، ولی باید توجه نمود که وسیله جای هدف را نگیرد.»

سؤالی که همان لحظه به ذهنم رسید: «خط قرمزهای شور چه چیست؟» و او ادامه می‌دهد: «تعیین حدود شور بستگی دارد به سلیقه افراد؛ ولی بنده به عنوان یکی از مسئولین هیات باید به تمام جوانب توجه داشته باشم؛ و این موضوع شاید بعضی مواقع باعث بعضی ناراحتی‌ها نیز شود.»

قبل از این که بخواهم سوال بعدی را بپرسم، جواب را می‌شنوم. حاج‌آقا با ادبیاتی بدون تعارف به سراغ هدف، که همان شعور حسینی است، می‌رود: «اصلاً بچه‌هیئت‌نیاید در مرحله شور حسینی زمین گیر شود؛ هدف، شعور حسینی است. دغدغه همه اعضای شورای هیات محبان هم همین است، هدف از هیات آمدن نیز همین است.» حرف آخر را با لحنی دیگر می‌گوید: «هدف ظهور امام زمان (عج) است.»

در پایان نظرش را در مورد موفقیت و یا عدم موفقیت هیئت هفتگی محبان اهل بیت جویا می‌شوم: «خدا را شکر هیات هم در زمینه شور و هم در زمینه شعور به نظر بنده موفق بوده است. وقتی به چند سال پیش نگاه می‌کنیم این موفقیت بهتر خود را نشان می‌دهد. در حال حاضر هر هفته تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان را در هیات می‌بینیم و این خود یک نشانه است. البته هدف از همه این کارها وصل شدن و رسیدن به دستگاه اهل بیت (ع) است.»



یکی از جوانه‌های در حال رشد و پا گرفتن از درخت تنومند هیأت، تیمی سه نفره متشکل از یک نوحه‌خوان و سه شاعر است. خسرو جولافیان، با مدرک لیسانس مخابرات و شغل آزاد، محور این تیم است که آهنگ‌سازی و اجرای نوحه را بر عهده دارد. در ضمن، یکی از سه شاعر نیز می‌باشد. ابراهیم جولافیان، برادر خسرو که تحصیلاتش در امور تربیتی در شاخه‌ی آموزش ابتدایی می‌باشد، کمک‌کننده‌ی آهنگ‌سازی و یکی از شاعران است. آخرین نفر از این تیم مهدی کهن‌دلی است که او نیز در امور ابتدایی فعالیت می‌کند، از دیگر شاعران این تیم می‌باشد. نوحه‌هایی که در هیأت توسط خسرو جولافیان اجرا می‌شود، غالباً حاصل کار این تیم می‌باشد. در یکی از جلسات نوحه‌سازی این تیم شرکت کردیم و ساعتی درباره کار پُرحمت‌شان گپ زدیم.

شروع فعالیت در زمینه مداحی از کجا شروع شد و کی به این نتیجه رسیدید که خودتان شعر بگویید؟
جولافیان: از سال ۸۳ در حسینییه حاجیه شاجان با راه اندازی شور آغاز شد. سپس به مسجد صاحب‌الزمان (عج) انتقال پیدا کرد.

قبل از آن شور در گراش راه نیفتاده بود؟
جولافیان: خیر. بنده، ابوالفضل دیباجی و هادی موغلی سبک شور فعلی را در گراش راه‌اندازی کردیم.

شعر گفتن را از کجا آغاز کردید؟

جولافیان: اول مداحی می‌کردم. بعد آهنگ‌سازی را هم شروع کردم. بنده آهنگ را می‌ساختم و به آقای کارگر می‌دادم تا شعرش را بنویسند. اما شروع شعر گفتن را از نوحه محمد نیکخو قرار سال ۹۰ آغاز کردم. محمد نوحه‌ای قرار بود بخواند. گفتم چرا این نوحه به گراشی خوانده نشود.

خسرو جولافیان: نوکری اهل‌بیت، جزء عمر محسوب نمی‌شود
 مهدی کهن‌دلی: تراز من برای جلسات هیأت، مجالس بیت رهبری است
 ابراهیم جولافیان: برای وارد شدن به این فضا، باید با روضه زندگی کرد.

گفت تو می‌توانی شعر را تبدیل کنی؟ قبول کردم. گفتم یک بندش را می‌گویم. دست‌وپا شکسته و بدون اطلاع از قواعد فنی این شعر را گفتم. دانشگاه بودم که محمد نوحه اجرا شده را برای من فرستاد و به نظر خودم خیلی خوب شده بود. حتی فکرش را نمی‌کردم که این نوحه خوانده شود. این قضیه انگیزه‌ای شد برای ما که به دنبال ادامه این حرفه باشیم.
آهنگ‌سازی از کجا شروع شد؟ آیا کلاسی رفته بودید؟
جولافیان: خیر. نوحه و مداحی و موسیقی زیاد گوش می‌کردم؛ مخصوصاً موسیقی سنتی. آهنگ‌سازی از ذوق خودم بود.



پنجاه سال پیش، هیات‌ها به هم سنگ می زدند!

محمد برزگران



فرزاد رجائیان

در مسابقه شرکت کردیم و مقام آوردیم اما الزام این بود که در مشهد حضور داشته باشیم که متأسفانه نتوانستم بروم. امسال هم آن شالیه شرکت می کنیم.

در حال حاضر شعرها را فقط برای خودتان می نویسید یا برای بقیه مداحان نیز کار می کنید؟

جولافیان: آقای نیکخو که از همان سال اول شروع کردیم. برای دوستان دیگر مانند آقای درستکار نیز می نویسیم.

شرایط ساختن و نوشتن چیست؟

جولافیان: گاهی اوقات یک متن در ذهن داریم که دوست داریم شعری درباره اش بنویسیم و گاهی وقتها هم با یک جرقه ذهنی شعری نوشته می شود. اغلب شروع ساخت شعر از آهنگ شروع می شود. اگر می خواهیم نوحه یک نوحه‌ی خوب شود معمولاً اول موسیقی آن را کار می کنیم که بتوانیم طبق موسیقی شعر گفته شود. البته برخی از اساتید می گویند باید متن باشد تا آهنگ ساخته شود.

نوشتن یک شعر چقدر زمان بر است؟

جولافیان: ممکن است یک نوحه در ۱۰ دقیقه نوشته شود یا در یک ماه.

کهنده‌لی: در نوشتن شعر، فضای الهامی خیلی مهم است اگر دیدیم که شعر جفت و جور پشت سرهم جور می شود زمان را کنار می گذاریم و آن را کامل می کنیم.

جولافیان: به نظر من اگر یک شعر در یک شب گفته شود و بسته شود بهتر از این است که در چند فضای متفاوت بخواهیم آن را تکمیل کنیم.

ادامه مصاحبه را در صفحه بعد بخوانید -

مسیر شعر گفتن برای خودتان از کجا شروع شد؟

جولافیان: در هیات، نوحه‌های محمود کریمی را می خواندم. پس از مدتی مخاطبان گفتند که تا چه زمانی می خواهید از ایشان بخوانید و این انتقاد همیشه بود؛ البته خودم هم این انتقاد را قبول داشتم. پس از مدتی به این فکر افتادم که خودم برای محمد شعر می گویم چرا برای خودم نگویم. پس از آن در سال ۹۲ شعر گفتن برای خودم را هم شروع کردم.

بوشهری می خوانید؟

جولافیان: تا محمد هست، نه. چون بهتر از من است. او هم تا من هستم وارد حرفه ما نمی شود.

برای شعر گفتن کلاسی رفته بودید؟

جولافیان: الفبای شعر گفتن را از مصطفی کارگر یاد گرفتم و بعد از آن نیز شعری که می گفتم آقای کارگر تصحیح می کردند.

در رزومه کاری شما، اجرا شدن شعرهای شما توسط مداحان کشوری وجود دارد. این قضیه از کجا شروع شد؟

جولافیان: سال ۹۴ با پیشنهاد آقای کارگر در سوگواره کشوری شرکت کردیم. اولین نوحه‌ای را که در طول فعالیت آماده کرده بودیم را ارسال کردیم یعنی شعر ۲ سال پیش. ۲ کار را به مسابقه ارسال کردیم که شعرش از آقای کارگر بود و آهنگش از من. شعر ما حائز مقام نشد اما در کتاب جامه‌دران چاپ شد.

آیا به این مسابقه ادامه دادید؟

جولافیان: سال ۹۵ نیز مجدد در این مسابقه شرکت کردیم، اتفاقاً مقام اول را کسب کردیم که جایزه آن ۵ میلیون تومان بود، اما جایزه را به دلایل مختلف به ما ندادند. سال ۹۶ نیز



عزاداری یک آیین است که به مرور زمان ممکن است دچار آسیب و بدعت شود. بررسی آسیب‌های عزاداری یکی از موضوعاتی است که در روزهای محرم تب آن داغ می شود و افراد مختلفی در این باره اظهار نظر می کنند. ولی وقتی کسی در گود باشد، بیشتر با عزاداری و عزاداران و معایب و مزایای روش‌های مختلف آن آگاه است. برای همین به سراغ **علی اکبر فتحی**، رئیس شورای هیئات مذهبی شهرستان گراش می رویم تا نظر او را جویا شویم.

او از گذشته شروع می کند. گذشته‌ای دور که کمتر درباره‌ی آن شنیده‌ایم: «اگر کمی به عقب برگردیم برخی تعصبات محله‌ای در شهر وجود داشته است؛ همین تعصب ناساگ و برق‌روز. تعدادی افراد متعصب در این هیات‌ها بودند که فلسفه‌ی عزاداری را درست درک نمی کردند و فقط جنبه‌ی ظاهری عزاداری را در نظر می گرفتند. مثلاً اگر می دیدند جمعیت زیادی هستند، در مقابل هیات دیگر که جمعیت کمتری بودند، به گونه‌ای دیگر ظاهر می شدند. سینه‌زنی یا زنجیرزنی بکوب از کنار یکدیگر عبور می کردند یا صدای بلندگوها را زیاد می کردند.

او نقش اصلی را متوجه مسئول هیات می دادند: «از یک طرف وقتی مسئولین هیات‌های مذهبی توجیه نباشند و اخلاص کم‌رنگ شود، فکر می کنند امام حسین این هیات با امام حسین آن هیات فرق می کند. اما رفته رفته وضعیت بهتر شد. چهل-پنجاه سال قبل وقتی دو هیات به هم می رسیدند، به هم سنگ پرتاب می کردند. یعنی قبل از شروع سینه‌زنی در جیب‌هایشان سنگ می ریختند تا وقتی به هم می رسیدند به هم پرتاب کنند. خدا را شکر از بین رفته است.

او یک خاطره‌ی عجیب از سال‌های نه‌چندان دور هم دارد: «یادم است بیست و پنج سال قبل در خیابان خودمان یک زنجیرزنی با یک سینه‌زنی با هم درگیر شدند. یعنی سینه‌زنی آمد زنجیرزنی را در وسط خودش قرار داد. محاصره که کرد شروع کردند به خرد کردن مهتابی‌ها و سوراخ کردن طبل‌ها. البته در این چند سال قضیه فرق کرده که اصل کار هم متوجه مسئول هیات است. اگر او توجیه شود، دیگر عزاداران هم توجیه می شوند.»

البته او نقش دیگران را هم موثر می داند. امر به معروف و نهی از منکر زبانی موثر است: «هر کس دستی بر آتش دارد باید کمک کند. هر کسی با دستگاه ابا عبدالله ارتباط دارد باید برای هر چه بهتر برگزار شدن عزاداری در سطح شهر کمک کند. شاید یک پامنبری از من مثلاً مسئول هیات راهکار بهتری داشته باشد. همه باید کمک کنند تا معایب را به حداقل برسانند.»

فتحی یک دغدغه هم دارد؛ خطر ترجیح یک واجب بر مستحب: «در شب عاشورا به خاطر امام حسین می آییم تا صبح سینه و زنجیر می زنیم. مخصوصاً جوانان ما که عاشق واحد هستند. اگر نوحه‌خوان بخواند، جوان‌ها تا صبح واحد می زنند. ولی اگر نماز صبح را نخوانیم هیچ کاری نکرده‌ایم. آمده‌ایم واجب را فدای مستحب کرده‌ایم. عزاداری که واجب نیست، مستحب است؛ شما دلت با امام حسین باشد. عاشق امام حسین باش؛ مرام امام را پیاده کن؛ نمی خواهد اینقدر توی سر و سینه‌ی خودت بزنی. امام فقط این را از ما نمی خواهد؛ عزاداری خوب است، حفظ شعائر خوب است و لازم. ولی طوری نباشد که واجبی مثل نماز صبح را فدای سینه‌زنی کنیم.»

فتحی در پایان از بیم و امیدهایش گفت: «با رسم و رسوماتی که در شهر می بینیم، اگر ساکت بنشینیم آینده‌ی خوبی در انتظار هیات‌ها نیست و وضعیت ممکن است بدتر می شود. ما شاهد بدعت‌هایی هستیم که نباید وارد عزاداری شوند. اما اگر با بدعت‌های غلط مبارزه کنیم و مسئولین هم همکاری کنند، با توجه به سابقه‌ی ولایی و مذهبی شهر، آینده‌ی خوبی پیش‌بینی می شود و ان شاء الله عزاداری‌های بهتری شاهد خواهیم بود.»

ادامه از صفحه قبل

بچه‌ها، می‌گویند سبک‌تان تکراری‌ست، من می‌گویم باید تمام سبک‌ها را ببینید. **از کی شروع می‌کنید برای شعر محرم؟** **کهنذلی:** هفت‌هشت ماه قبل از محرم شروع می‌کنیم.

جولافیان: فقط دو ماه محرم و صفر استراحت ماست.

سرود گراشی که اجرا کردید بین بچه‌ها باز خورد خوبی داشت. چطور به این شعر رسیدید؟

جولافیان: محمود کریمی این آهنگ را خوانده بود. نوای این آهنگ شیرازی «جونوم وای عمرم» به نوای گراشی نزدیک بود. شعر این کار را آقای کارگر گفتند و من اجرا کردم.

درگیری ذهنی در کار شما دخیل هست؟ **جولافیان:** انقدر ذهنم درگیر هست که گاهی آهنگ‌هایم را هم فراموش می‌کنم.

کهنذلی: شرایط کاری و روحی خیلی مؤثر هستند. و از این طرف شعر هم در زندگی ما مؤثر بوده است. اگر خیر پیدا کنید و ما را تأمین کنند، هر روز شعر می‌گوییم (باخنده)

مطالعه چقدر تأثیر گذار است؟ **جولافیان:** من فقط رمان می‌خوانم. جریان زندگی شود.

حرف آخر؟ **جولافیان (ابراهیم):** اگر هیأت ما را از لحاظ کتاب تأمین کند خیلی خوب است. مثلاً نخل می‌شهم.

کهنذلی: البته این تأثیر برای کل هیأت است نه فقط گروه ما.

جولافیان: یک هزینه‌ای هم بدهند مادر کلاس‌های تخصصی تهران شرکت کنیم. من هیچی، اما نوجوانان را حمایت کند که نتیجه‌اش برای خود هیأت است.

جولافیان (ابراهیم): اگر هر سال کربلا هم بفرستند برای شرایط روحی شعر گفتن خوب است. (با خنده)

سبک‌ها قدیمی می‌شوند؟ **جولافیان:** بله. ولی اگر کار استقبال بشود کار قدیمی هم می‌خوانم.

جولافیان (ابراهیم): قدیمی شدن یک سبک کار عقل است. اگر با دل پیوند خورد دیگر از دل نمی‌رود. مثل «دامن» کشان رفتی دلم زیر و رو شد» از محمود کریمی.

با شور مجلس به طور مثال ذکر گفتن چقدر اهمیت می‌دهید؟ **جولافیان:** تا هدف از ذکر چه باشد. به نظر من در زمینه، ذکر گفتن برای هماهنگی مخاطب و مداح اگر باشد خوب است. نباشد هم مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند. بعضی‌ها برداشت دیگری دارند.

کهنذلی: کسی هم نمی‌تواند بگوید کدام درست است. علما هم خیلی ورود نمی‌کنند. به نظر ما جلسه باید مناسب شأن اهل بیت باشد. گاهی سلیقه‌ای عمل می‌کنند. تراز شخصی من، جلسات بیت رهبری است.

در روضه هم ورود می‌کنید؟ **جولافیان:** بله. قصد داریم.

چرا یک نوحه ممکن است یک ماه طول بکشد؟ به چه عواملی بستگی دارد؟ **جولافیان:** در این مورد باید وصل باشی. یعنی باید فضای ذهنی آماده باشد تا بشود شعر گفت.

کهنذلی: پیش آمده که ما در جلسه ۲ ساعته یک بیت شعر گفته‌ایم و رفته‌ایم! اما در حرم امام رضا (ع) در عرض چند دقیقه یک مجموعه شعر را آماده کردیم. چرا؟ چون فضای ذهنی ما آماده بود.

تاحالا پیش آمده یک شعر را کامل بگوئید اما آن را به دلایل مختلف کنار بگذارید؟ **جولافیان:** زیاده‌سال قبل، مداحی شب ۹ محرم، نزدیک به ۱۰ بار شعر و آهنگ عوض شد تا به نتیجه‌ای رسیدیم.

این گروه سه نفره چگونه تشکیل شد؟ **جولافیان:** ابراهیم از آغاز شعر گفتن با من بود، که پس از مدتی در آهنگسازی هم به من کمک کرد.

آقای کهنذلی چطور به گروه اضافه شدند؟ **کهنذلی:** آشنایی از طریق سفر مشهد بود. و شروع با هجویات. به مرور وارد این گروه شدم و دست و پا شکسته کمک می‌کنم. به نظرم پیشرفت خوبی داشتیم.

از کی شعر را شروع کردید؟ **کهنذلی:** از دوبیتی و رباعی شروع کردم. از خیلی سال پیش.

مداحان بزرگ هم از کار شما استقبال کرده‌اند؟ **جولافیان:** سال ۹۴ نوحه‌ی ما را محمدحسین طاهری پسر محمدرضا طاهری خواند. سال بعد خودش تماس گرفت. گفتند یک کار شب پنج محرم آماده کنید؛ فرستادیم. ولی هنوز در هیأت هفتگی نخوانده‌ام. کل شعر و سبک‌هایم را برای آقای سالاروند فرستادم که سه چهار تا را انتخاب کرده‌اند. برای آقای سلحشور هم یک کار انجام داده‌ایم که واحد حضرت زهرا (س) بود. نوحه‌ی امام صادق (ع) هم برای مشهد فرستادیم. استقبال کردند. ولی اجرا کردند یا نه را نمی‌دانم.

کار شما از نظر مادی هم چیزی دارد؟ **جولافیان:** نه. ولی اگر بدهند می‌گیریم، چون به اسم امام حسین (ع) است. البته سایت هست که می‌گویند هشت هزار تومان بدهید شعر می‌گوییم. البته مزد نوکری را می‌گیریم؛ نوکری اهل بیت، جزء عمر محسوب نمی‌شود.

برای تبدیل اشعار به کتاب هم فکری کرده‌اید؟ **جولافیان:** بله. ولی مشکل مالی یک مسئله است و مسئله فنی اشعار هم یک مسئله

مستله **خیر پیدا شود چاپ می‌کنید؟** **جولافیان:** بله.

تاحالا به فکر آموزش بودید؟ **جولافیان:** کارگاهی گذاشتند که بحث ریتم و سبک با من بود؛ ولی در خود هیأت هفتگی تا حالا کارگاهی برگزار نشده است. باید هیأت به فکر باشد تا شخص من. البته امیرحسین تراب‌پوران و احمد حسینا به صورت خصوصی کار می‌شود. امیرحسین در آهنگ کمی خودکفا شده است.

به نظر شما یک روضه‌خوان، می‌تواند خوب نوحه بخواند؟ **جولافیان:** نه. چون کمی کار تخصصی می‌شود.

جولافیان (ابراهیم): البته محمود کریمی می‌تواند. (باخنده)

کهنذلی: همین کریمی در شعر و آهنگ به ما خط می‌دهد.

جولافیان: استاد من محمود کریمی بوده است.

راضی هستید از اینکه در جلسه گروهی شعر هستید؟

جولافیان (ابراهیم): همیشه نه. گاهی اوقات تنهایی شعر گفتن بهتر است.

کهنذلی: البته نفس دور هم بودن برکت دارد. البته خلوت‌هایی نیاز هست و انجام می‌شود.

بهترین کار که به دلتان نشسته است؟ **جولافیان:** «به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست» که پیش‌زمینه‌ی فاطمی‌ی پارسال بود.

کهنذلی: زمینه‌ی «خدا رحم کند» حضرت زهرا. البته زمینه‌ی شب تاسوعای پارسال هم فوق‌العاده بود.

جولافیان (ابراهیم): یک بار خسرو گفت شعری می‌خواهم که «قیام فاطمه» داشته باشد. گفتیم: «فدک بهونه‌ی قیام فاطمه، نبود به جز علی امام فاطمه» که این شد جواب نوحه.

یک ماه به محرم مانده. امسال راضی کننده است؟ **جولافیان:** نه خیلی. کمی عقبیم.

کهنذلی: البته در شعر هم سخت‌گیری کردیم.

جولافیان: در شعر گفتن به هیأت نگاه نمی‌کنیم؛ به سطح شعر کشور نگاه می‌کنیم.

باز خورده‌ها چگونه بوده است؟ **کهنذلی:** از لحاظ دلی، می‌توان هنگام اجرا و گریه‌ی بچه مشاهده کرد که تا حد زیادی راضی کننده است. ولی از لحاظ فنی باید یک متخصص نظر بدهند، نه



وقتی به هیات رفت...

محمد جواد سیاح



در روزگاری دور زنی با فرزندان در کنار همسرش زندگی می‌کرد. زن بسیار مهربان و پاکدامن بود. مرد برخلاف همسرش بسیار بی‌دین بود و نسبت به پیامبر(ص) و ائمه(ع) کفر می‌ورزید. علاوه بر آن نسبت به همسرش بسیار بدبین بود و نمی‌گذاشت جایی برود. اگر هم اجازه می‌داد سایه به سایه دنبال او می‌رفت که مبادا زن قدم اشتباهی بردارد. گاهی وقت‌ها هم می‌شد که چندین‌ماه او را در خانه حبس می‌کرد و اجازه خروج از منزل را به او نمی‌داد. با آن همه بدی‌های مرد، زن بسیار صبور و با تقوا بود؛ بسیار دانا و کاردان. او همیشه به همسرش می‌گفت «اگر اجازه خروج مرا نمی‌دهی و نمی‌گذاری صلح‌رحم به جا بیآورم پس در محرم به من اجازه بده تا برای عزاداری امام مظلوم‌مان به هیات بروم.» مرد اجازه نمی‌داد ولی بعد از اصرار زن راضی شد.

سه روز مانده تا محرم از خانه بیرون رفت و مشغول کمک کردن به بانوان محله‌شان برای دوخت پارچه‌ها و پرچم‌های عزا شد. مرد هم طبق معمول به دنبال زنیش بود و او را کم‌کم از پشت در آن خیاطی که در کنار مسجد بود نگاه می‌کرد و چون دید زن مشغول کار است مرد هم رفت به مجلس مردانه تا مثل همیشه طعنه و نیشش سخن بزند. تا وارد تکیه شد. متحول شد. تا که دید کوچک و بزرگ مشغول کارند با خودش گفت: «چه می‌شود من هم کاری را انجام بدهم.» رفت و خودش را مشغول کرد.

کم‌کم درون دلش انقلابی رخ می‌داد. گویا امام عشق نظری بر او انداخته بود. باشنیدن صدای مداحی دلنشین اشک از چشمانش جاری شد و آن اشک‌ها آب زلالی بود بر چرک‌هایی که از نفرت و تاریکی در دلش ایجاد شده بود. بلندبلند گریه می‌کرد و ناله می‌زد که ناگهان همه دورش حلقه زدند و چون او را می‌شناختند متحیر شدند. و صدای حسین حسین‌اش فضا را پر کرد.

گذشت و به خانه آمد و از حال خود با همسرش سخن گفت. زن به او گفت: «فهمیدی امام حسین(ع) آخر کار خودش را کرد و به ازای یک کار ساده تو، او یک عمر سعادت عاشقی کردن و نوکری کردنش را به تو هدیه داد؟»



کتاب



محرم پای درس بهجت...

محمد دانشور



طلبه

پارسال بود که با یکی از دوستان در مورد این‌که چه کتابی بخوانم صحبت می‌کردم. گفت «کتاب رحمت واسعه‌ی آیت الله بهجت(ره) را خوانده‌ای؟» گفتم «نه». گفت «چرا؟ خیلی عالی‌ست این کتاب. اگر می‌خواهی خصائص امام حسین(ع) و یارانش و چگونگی عزاداری را از زاویه‌ای نو نگاه کنی حتماً بخوان.»

چند مدت بعد رفتم کتاب فروشی. کتاب را گرفتم. آمدم حوزه. گفتم بخوانم. شروع به خواندن که کردم دیگر نتوانستم بندم. چه زیبا از فضائل و کرامت‌های امام حسین(ع) و درس عبرت‌هایی که از عاشورا باید گرفته شود، فرموده بودند.

یکی از ویژگی‌های خاصی که کتاب داشت و من را تشویق می‌کرد زود بخوانم، کوتاه بودن بخش‌های کتاب بود. و همچنین بخش پرسش و پاسخ کتاب که انصافاً انگار خودم در محضر آیت‌الله بهجت(ره) بودم و از ایشان سؤال می‌کردم و ایشان جوابم را می‌دادند.

توصیه می‌کنم حتماً قبل از محرم یا حین محرم این کتاب را بخوانید. برشی از کتاب:



«می‌گویند مرحوم دربندی با آن فضلش در بالای سر سیدالشهدا(ع) داد می‌زد: یا حسین بحق مادرت زهرا(س)، شمر را شفاعت مکن! سه دفعه بلند این را می‌گفت. به او می‌گفتند آیا شفاعت شمر ممکن است؟ می‌گفت: چرا ممکن نیست؟ چرا محال است؟ مظهر رحمت واسعه خدا هستند، ما چه می‌دانیم، ما قسمش می‌دهیم که این کار را نکند.»

نام کتاب: رحمت واسعه ناشر: البهجة

فیلم



روز واقعه

سجاد فیروزی



دانشجو

کارگردان: شهرام اسدی

تهیه کننده: مرتضی شایسته

نویسنده: بهرام بیضایی

بازیگران: علیرضا شجاع نوری، لادن مستوفی، جمشید مشایخی، عزت الله انتظامی، محمد علی کشاورز، مهدی فتحی، حسین پناهی، ژاله علو

عبدالله جوانی مسیحی است که با دل باختن به راحله مسلمان می‌شود. راحله زمان آشنایی با عبدالله از مقتدای خود، امام حسین، برای او سخن گفته و عبدالله اسلام را با حسین شناخته است. در مراسم ازدواج عبدالله با راحله، ندایی عبدالله را فرا می‌خواند و سبب می‌شود که او بی هیچ سخنی برخیزد و یکسره به سمت کوفه بتازد؛ او به راه می‌افتد و راحله را ترک می‌کند. گویی عبدالله وفاداری اش به راحله را با کشف حقیقت یکی می‌پندارد. در راه رفتن به سوی کوفه، عبدالله با آزمون‌های زیادی مواجه می‌شود: گم کردن راه، تنهایی، خستگی، مواجهه با راهزنانی که به گروهی حمله کرده اند و باید عبدالله به کمک کاروانیان رود و در



طول مسیر، عبدالله به مرور احساس می‌کند که حسین او را می‌شناسد، منتظر اوست و هر لحظه با او سخن می‌گوید. از این رو دم به دم بر شوق و تاختن و تلاش اش افزوده می‌شود. او در این راه با افرادی مواجه می‌شود که حسین را تنها گذاشته اند و اکنون ناامید و پشیمان برگشته اند. اما عبدالله می‌رود. عبدالله بالاخره به کربلا می‌رسد اما در عصر عاشورا، عبدالله حسین را به گونه‌ای دیگر ملاقات می‌کند و پاسخ آن چه او را بدین جا کشیده بود می‌گیرد. اکنون او خود را میراث دار و پیام‌بر حسین می‌بیند.

فانوس

ماهنامه داخلی هیات محبان اهل بیت (ع) گراش

صاحبامتیاز: هیات هفتگی محبان اهل بیت (ع) گراش

مدیرمسئول: مهدی کهندلی

سر دبیر: مجتبی بنی اسدی

با همکاری کانال خبری پندری

صفحه آرایی: «اکوان فیلم»

۰۹۳۷۸۴۳۹۱۴۲

در این ستون، برنامه‌های هیات هفتگی محبان اهل بیت (ع) در ماه پیش رو را معرفی می‌کنیم.

چهارشنبه ۳ مهرماه، مجلس روضه و سینه‌زنی
شهادت حضرت امام سجاد (ع)

چهارشنبه ۱۰ مهرماه، مجلس روضه و سینه‌زنی
شهادت حضرت رقیه (س)

چهارشنبه ۱۷ مهرماه، مجلس روضه و سینه‌زنی
عزاداری حضرت سیدالشهداء

برنامه‌های هیات هفتگی

۶ مجتبی بنی اسدی:

هیأتی‌ها هم‌اکنون یک‌ساله‌ی سینه‌زدن و کف‌زدن‌های خود را در تابستان می‌گیرند. آن هم در سفر زیارتی-سیاحتی مشهد مقدس. کاروان هیأت، امسال، اواخر تیر و اوایل مرداد، سیاحتش را در آبشار سی سخت یا سوچ پشت سر گذاشت. مسیر بعد، سی‌وسه‌پل اصفهان بود. برای نماز صبح رسیدیم جمکران. نماز امام زمان (عج) در مسجد با عظمت جمکران، آن هم دم طلوع، لذتی وصف‌ناشدنی دارد. نماز ظهر در حرم با صفای خواهر امام رضا، حضرت معصومه (س) بودیم. محبان حضرت زهرا (س) در این حرم حال دیگری دارند. مقصد آخر خود خود آقا است. دیدار اول نزدیک غروب است. دست‌جمعی به پابوس آقا می‌رویم. گوشه‌ای از صحن جامع رضوی همه زمین‌گیر می‌شوند. صدای زیارت امین‌الله خسرو که بلند می‌شود: «السلام علیک یا امین‌الله فی أرض...» دیگر اشک‌ها سرازیر می‌شود. اذن دخول گرفته می‌شود. برای سفر همین اشک بس است.



سفر زیارتی - سیاحتی مشهد از نگاه دوربین محمد نجاتی و محمدرضا آذرایین:

